

# شهر در خاورمیانه اسلامی

## از دیدگاه یک جغرافیادان آلمانی<sup>(۱)</sup>

نوشته: اکارت اهلرز

ترجمه: مهرداد وحدتی دانشمند

تحقیق جی.وی. گرونه بارم که تقریباً کلاسیک بشمار می‌آید از اهمیتی ویژه برخوردار بوده است. تحت تأثیر این اثر و انتشارات مشابه آن بود که گیتاشناسان آلمانی کار تهیه سیاهه کمابیش منتظم شهرهای خاورمیانه را آغاز کردند و بیش از همه ایران و فلسطین تاریخی را در کانون توجه خود قرار دادند.

دتمان بر اساس این تحقیقات و مباحثات شرق شناسان غربی اقدام به انتشار الگوی توصیفی از شهر خاورمیانه اسلامی کرده است. این ساده سازی آلمانی که تقریباً یکسره مبتنی بر جنبه‌های شکلی شهر و تفاوت‌های درونی آن است می‌بایست احتمالاً به صورت قابل قبول‌ترین و پذیرفته شده‌ترین توصیف شهر خاورمیانه اسلامی در گیتاشناسی المانی تاکنون باشد (لوحه سوم).

بی تردید انتشارات جدیدتر به شکل‌گیری دیدگاهی که کمتر حالت کلیشه‌ای داشته باشد کمک کرده است. بویژه ویرت جنبه‌های تازه به بحث در باره خود گوهر شهر اسلامی خاورمیانه افزوده است. بیش از همه شناسایی بازار به عنوان تنها و بزرگترین دست آورد فرهنگی شهرنشینی (Urbanity) خاورمیانه به دست وی، موجب درگرفتن آتش بحث‌هایی فراتر از دامنه گیتاشناسی گردید (ویرت، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵). ویرت با وجود گرفتاری در بحث راجع به گوهر و هویت ویژه شهر اسلامی در خاورمیانه که در آن جنبه‌های مربوط به شکل شهر دست بالا را داشت بطرزی کاملاً قانع کننده استدلال می‌کرد بازار یا سوق را

در این مقاله دیدگاه‌های گیتاشناسان آلمانی در مورد شهر اسلامی خاورمیانه مورد نقد قرار گرفته و به ضرورت توجه به نقش هبه و موقوفات در حیات شهرهای خاورمیانه و شهرنشینی اسلامی، بخصوص دو نمونه تفت و ملایر، که تصور موجودیت آنها بدون وجود موقوفات محال است اشاره شده است. نویسنده توصیه می‌کند گیتاشناسان آلمانی با دورشدن از نگرش سنتی به تحقیق در باره بنیادهای اسلامی شهرها و نهادها و مؤسسات اسلامی و تأثیرات فضایی و اجتماعی - اقتصادی آنها به شهرنشینی اسلامی بپردازند.

کمتر موضوع و مضمونی است که به اندازه پدیده شهر در خاورمیانه اسلامی علاقه گیتاشناسان آلمانی را بخود جلب کرده باشد. بازسازی اکتشافات شهرهای خاورمیانه و تفسیرهای آن که در بعضی قسمت‌ها بسیار بحث‌انگیز است دو کانون توجه را نشان داده است. اول توصیف و تحلیل شکل شهرها و دوم بحث کارکردهای شهر بویژه در ارتباط با مناطق مجاور هر یک. این مسأله کماکان به قوت خود باقی می‌ماند که تا چه حد می‌توان این معیارها را برای اینکه شهر اسلامی را نوعی مختص به خود یعنی تجلی خاص و بی‌همتای تاریخ، اندیشه و ایمان اسلامی بدانیم کفایت می‌کند.

### شهر خاورمیانه اسلامی: از دیدگاه شکل

بحث‌های قدیمی گیتاشناسان آلمانی در مورد بنیادها و ویژگی‌های بی‌همتای شهر در خاورمیانه اسلامی تحت تأثیر عمیق انتشارات اولیه اسلام شناسان و مورخان فرهنگ اسلامی بوده است.

۱- مأخذ: اکتا ایرانیکا، سال شانزدهم، ۱۹۹۰

می‌توان تنها معیار معتبر شهرنشینی متمایز و بی‌همتای خاورمیانه اسلامی در مقایسه با شهرنشینی فرهنگهای دیگر دانست. در حالیکه در الگوی آرمانی دامن بیشتر ویژگیهای دیگر یا اسلامی یا کمابیش همه جاگیر دانسته شده است (ویرت، ۱۹۷۵). با این حال مفصل‌ترین تحقیقات گیتاشناسی که تاکنون در مورد شهرهای اسلامی خاورمیانه صورت گرفته عمدتاً به تحلیل بافت شهری آنها اختصاص یافته است. مطالعات گاوپ و ویرت راجع به بازارهای اصفهان و حلب هر دو بر ارائه مدارک مربوط به معماری آندو و پیشینه تاریخی آنها متمرکز است و بحثی از اهمیت اجتماعی و یا اقتصادی نیست یا اینکه اهمیتی درجه دوم بدان داده شده است. اگر هم بحثی به میان آمده باشد بهیچ وجه به مبانی اسلامی نظام اجتماعی و اقتصادی اختصاص نیافته بلکه به جنبه‌های خط‌مشی‌های بقای هنرهای سنتی و سازمانها در جهان غربی شده دنیای امروز می‌پردازد.

تأکید شدید بر جنبه‌های شکلی شهر خاورمیانه که بویژه در تحقیقات اولیه گیتاشناسان آلمانی نمایان است بی‌تردید به ایجاد و پذیرش نوعی قالبهای ذهنی کمک کرده است. این ثبوت بیشتر از زمان تحلیل جی. ابو‌اللغوث = J. Abu-Lughod "اسناد" شهر اسلامی" مسأله ساز شده است. با وجود پذیرش نسبتاً سهوی (یا عمدی) و/یا اختیار اصطلاح "شهر اسلامی" (سنجید با کاهن)، استدلال وی فوق‌العاده قانع‌کننده به نظر می‌رسد. تشخیص وی از "شهر اسلامی" آرمانی و اشاعه پندار آن توسط وی. گرونه باوم نه تنها در مورد سنت تحقیقات انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی صادق است بلکه در باره بخش اعظم تحقیقات گیتاشناسی آلمانی راجع به شهرهای خاورمیانه اسلامی صدق می‌کند. با وجود اشاراتی پراکنده به خاستگاه پیش از اسلام یا وقوع همه جاگیر پدیده‌هایی چون: بارو، دروازه شهر، کوچه‌های بن‌بست و/یا تفاوت‌های محله‌های خاص قومها و مذاهب در داخل شهرها (ویرت، ۱۹۷۵) ویژگیهای شکلی به صورت تنها عامل، اگرنگویم عامل تعیین‌کننده، شهرنشینی خاورمیانه باقی مانده است.

## شهر در خاورمیانه اسلامی: جنبه کارکردی

علاوه بر جنبه‌های شکلی، مسأله کارکرد شهرها و رابطه شهر و نواحی مجاور آن نیز تا حدود زیاد توجه آکادمیک را به خود مشغول داشته است.

نظریه بوبک راجع به طفیلی‌گونی شهرنشینی خاورمیانه، افکاری که اول بار پیش از جنگ دوم جهانی منتشر شد، (بوبک، ۱۹۳۸) بویژه نظریه او راجع به سرمایه‌داری رانتی (۱۹۵۹) موجب اعتلای فراوان تحقیقات گیتاشناسی آلمانی در مورد شهرهای خاورمیانه گردید. این نظریه در عین حال موجب پیدایش احساسات آکادمیک له و علیه این تلاش توضیح‌گراانه به منظور درک جامعه و اقتصاد شهری در خاورمیانه اسلامی گردیده است. فکر بنیادی سرمایه‌داری رانتی بوبک به شکل زیر است (۱۹۵۹، ص. ۲۵۷).

"سرمایه‌داری رانتی تا آنجا که وجه مشخصه آن تلاش به منظور تحصیل سود نامحدود بود و تا آنجا که شیوه‌های حسابداری را اختیار می‌کرد و به درجاتی بالا از حسابداری و عقلانیت نائل می‌گردید که در کلیه دیگر مراحل تکامل بشر از جمله نظام اربابی غائب است سرمایه‌داری واقعی بود. سرمایه‌داری رانتی... از این لحاظ با "سرمایه‌داری" جدیدتر تفاوت می‌کرد که مرتبط با تولید نبود بلکه بیشتر با تحصیل عواید اقتناع می‌شد. از طرف دیگر از آنجا که بخش بزرگی از تولیدات کشاورزی، معدن و دیگر شاخه‌های اصلی تولید شهرها را متمرکز می‌ساخت و آنها را در دسترس جمعیت نسبتاً وسیع و متشکل از عناصر گوناگون شهرها قرار می‌داد امکانی بی‌سابقه از لحاظ افزایش تعداد ساکنان و نیز به لحاظ پیدایش سطوح گوناگون مادی و فرهنگی ایجاد می‌کرد."

بحث علمی راجع به طفیلی‌گونی شهرها و خصیصه استثمارگری شدید شهرهای خاورمیانه اسلامی بویژه در ارتباط با نواحی مجاور شهرها باعث اختلاف‌انگیزترین و در عین حال ثمربخش‌ترین بحث‌ها در میان گیتاشناسان آلمانی راجع به نگرش سرمایه‌داری رانتی گردید (بوبک، ۱۹۷۴؛ اهلر، ۱۹۷۸، ۱۹۸۲؛ لنگ، ۱۹۷۴؛ مولر، ۱۹۸۳؛ ویرت، ۱۹۷۳). چند سال بیشتر نیست که بحث‌ها فروکش کرده و تدوین خلاصه‌ای مقدماتی امکانپذیر گردیده است. این حقیقت را تجربه به اثبات رسانده

است که شهرهای واقع در خاورمیانه مسلمان امروزی همیشه سازمان دهنده و استفاده کننده از فعالیتهای اقتصادی نواحی مجاور خود بوده و هستند. اسناد مالکیت بر آب و زمین روستایی. سامانه‌های فروش کالاهای روستایی چون غلات، احشام و تولیدات آنها، تولید و فروش فرش. خدمات دولتی و خصوصی در نواحی شهری جملگی به دست شهر مسلط اداره می‌شده و می‌شود و شهر و ساکنان آن هستند که ارزش افزوده تقریباً تمامی سود و مزایا را از طریق فعالیتهای سازماندهی و کارفرمایانه، مهارتها و روابط به دست می‌آورند. از لحاظ محصولات روستایی تنها این حقیقت که زمین داران و صاحبان گله‌های بزرگ احشام مالکانی غایبند که در شهر زندگی می‌کنند برای تثبیت سروری اقتصادی شهر به سرزمینهای محاور آن کفایت می‌کند. مثال تولید و فروش فرش (برای جزئیات نگ. اهلرزن، ۱۹۷۷، ۱۹۸۲) نشان می‌دهد که در شرایط سخت تنها دو فعالیت برای روستا سود و صرفه اقتصادی دارد: تولید پشم و پنبه به عنوان مواد اولیه اساسی برای تولید فرش و تولید قطعات مورد نیاز در بافت آن. کلیه سودها و دیگر فعالیتهای اقتصادی در شهرها که مرکز سازماندهی نواحی مجاور خود هستند متمرکز است (لوحه چهارم).

تأثیر قاطع نظریه سرمایه داری رانتی را می‌توان دومین ویژگی گیتاشناسی آلمانی و تلاش آن به منظور شناسایی گوهر شهر اسلامی و بی‌همتایی آن در خاورمیانه اسلامی دانست. باید بخاطر داشت که - به احتمال زیاد بدان جهت که ایران مهم‌ترین منطقه تحقیقات بوبک را تشکیل می‌دهد - عمدتاً مثالهایی از ایران به عنوان توضیحاتی جهت نفی و اثبات مفهوم سرمایه داری رانتی بکار گرفته شده است.

با وجود این یا حتی احتمالاً بدان جهت که بسیاری از مطالعات موردی که تحت بررسی قرار گرفته مؤید مفهوم سرمایه داری رانتی است یک پرسش برجای می‌ماند. آن پرسش این است که آیا سرمایه داری رانتی به همین اندازه برای توضیح سلطه طفیلی گونه شهرها و تسلط استعماری شهر بر نواحی روستایی مجاور شهر در دیگر فرهنگها از جمله فرهنگ غرب مناسب نیست. نفس این حقیقت که بسیاری تحقیقات در جهان انگلیسی یا فرانسوی زبان بدون اطلاع از مفهوم بوبک به نتایجی مشابه رسیدند مؤید

این است که این رهیافت نظری سرانجام در همه جا قابل استفاده خواهد بود.

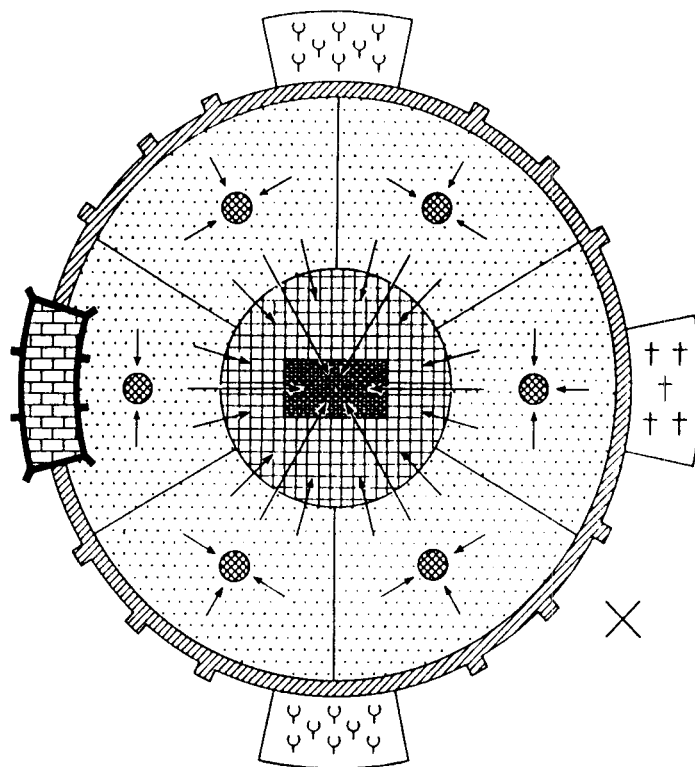
## شهر خاورمیانه اسلامی در نظر گیتاشناسان:









### شهری بدون اسلام و مسلمانان؟

شکل و کارکرد هنوز هم مثل گذشته از موضوعهای تحقیقات گیتاشناسانه آلمانی راجع به شهر در خاورمیانه اسلامی است. با این وجود تلقی ایندو به عنوان مهم‌ترین ویژگیهای بی‌همتایی خطاناپذیر شهر اسلامی سخت قابل چون و چراست حتی گر مسجد، بازار، حمام یا مدرسه اجزاء حیاتی و بدیهی این شکلها و کارکردها باشد با نهادهای مشابه در دیگر فرهنگها و سببها قابل جابه‌جایی است البته احتمالاً بازار از این قاعده مستثنی است (ویرث، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵)

در برابر چنین پس‌زمینه‌ای است که به کرات این پرسش مطرح شده است که آیا این معیارها واقع‌بینانه تعیین می‌شوند؟ مفروض شهر خاورمیانه اسلامی کافی است. شاید بخشی از سنت آکادمیک گیتاشناسی تمرکز بر معیارهای پدیدشناسی و ساختارهای فضایی به منظور شناسایی فردیت فرهنگی - فرهنگ به معنای مادی - است. حقیقتی است که مبانی و تجلیات فرهنگ مذهبی، معنوی، سیاسی و اجتماعی - اقتصادی از لحاظ تحقیقات گیتاشناسی و تفسیرهای واقعیت شهری در محاق قرار گرفت. البته این سخن به نمادهای فوق‌الذکر دین (مسجد و امثال آن) اشاره ندارد بلکه به مبانی اسلامی جامعه شهری و اقتصاد و نهادهای آن برمی‌گردد.

اسلام شناسان مکاتب گوناگون به کرات بر اهمیت عظیم اجتماعی و اقتصادی نهادهای اسلامی و تأثیرات فضایی و منطقه‌ای آنها تأکید کرده‌اند. ابن‌امر بویژه در بسیاری تحقیقات تاریخی مثل تحقیق حورانی و استرن (۱۹۷۰)، لاپیدوس (۱۹۶۷، ۱۹۶۹)، مانتران (۱۹۶۲)، ریموند (۷۴-۱۹۹۷) و امثال آنها و بسیار تحقیقات دیگر پدیدار می‌گردد. در این تحقیقات شکل شهر، بخصوص کارکردهای آن نتیجه پیش شرطهای اجتماعی، سیاسی و/یا مذهبی است. آنها زاده نظامهای معین اجتماعی و اقتصادی هستند. به عبارت دیگر تجلیات فضایی نهادها و سازمانهای اسلامی اند.



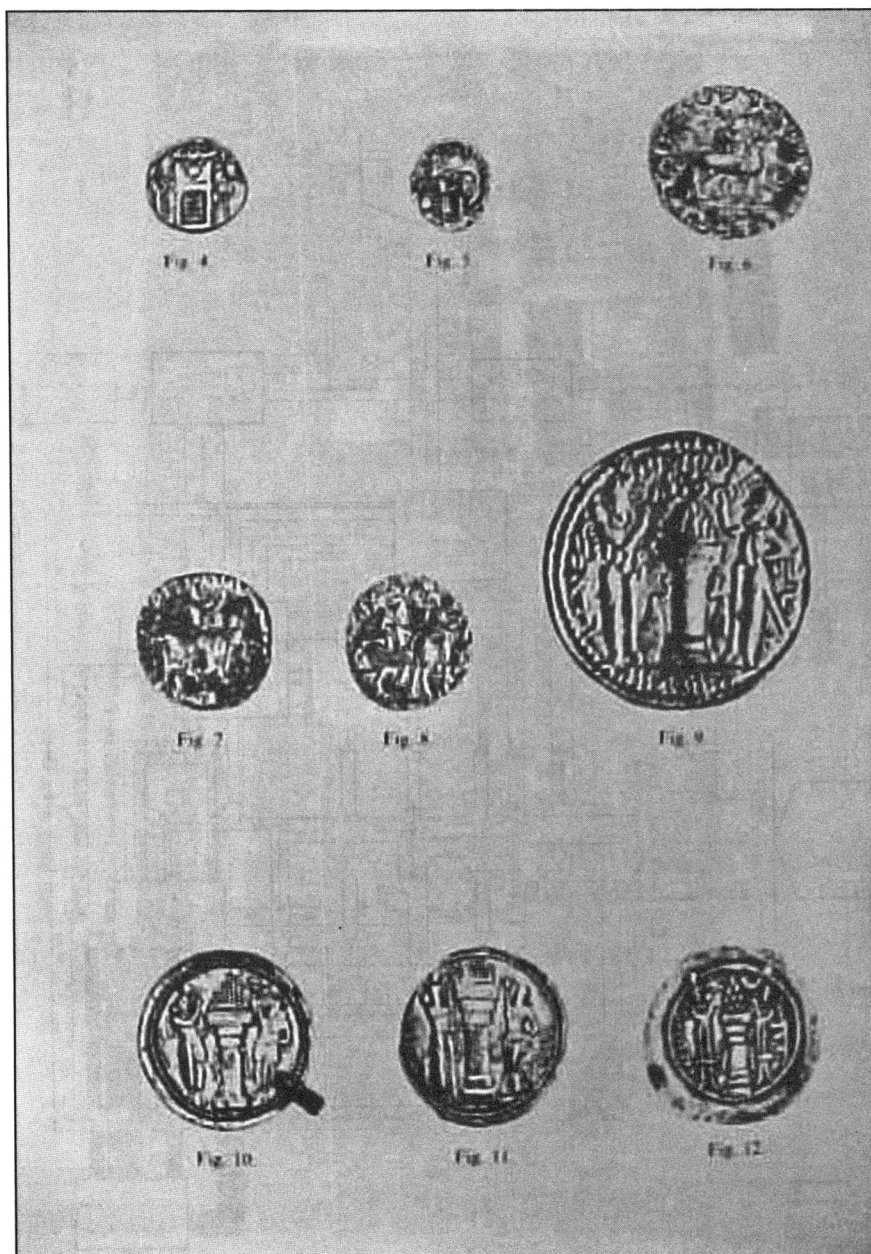
- |   |            |   |  |
|---|------------|---|--|
|  | بخش مسکونی |  | مرکز کوچک (با مسجد، بازار محلی، حمام و غیره) |
|  | بازار      |  | بازارهای محلی                                |
|  | بخش مسکونی |  | دیرارها و استحکانات                          |
|  | ارگ        |  | گورستان مسلمانها - گورستان نصرانیها          |

مدل شهر اسلامی برگرفته از دتمان (ETTMANN)

ش. ۱. مدل شهر اسلامی

جنبه‌های معماری و اقتصادی را برای توسعه و گونه‌گونی فضایی شهرهایی چون استانبول، حلب، دمشق اثبات کرده‌اند. اما وقف / هبه‌ها به هیچ وجه صرفاً اهمیت تاریخی ندارند بلکه در دوران حاضر نیز واجد اهمیتند. این بدان معناست که وقف و هبه‌ها بخشی از واقعیت اجتماعی و اقتصادی شهرنشینی در خاورمیانه امروز است. بدین لحاظ وقف و هبه‌ها برای

مسأله از دیدگاه گیتاشناسی این است که آیا سازمانها و مؤسسات مذهبی برای پرداختن به مهم‌ترین مسأله گیتاشناسی شهر در خاورمیانه اسلامی مناسب‌تر نیست؟ موقوفات نهادها و سازمانهایی هستند با تأثیر فضایی مشخص. مدت‌هاست که وقف مورد توجه ویژه مورخان خاورمیانه بوده است. اینالیک (۱۹۰۰) و ریموند (۱۹۷۹) به طرز قانع‌کننده اهمیت بزرگ موقوفات از



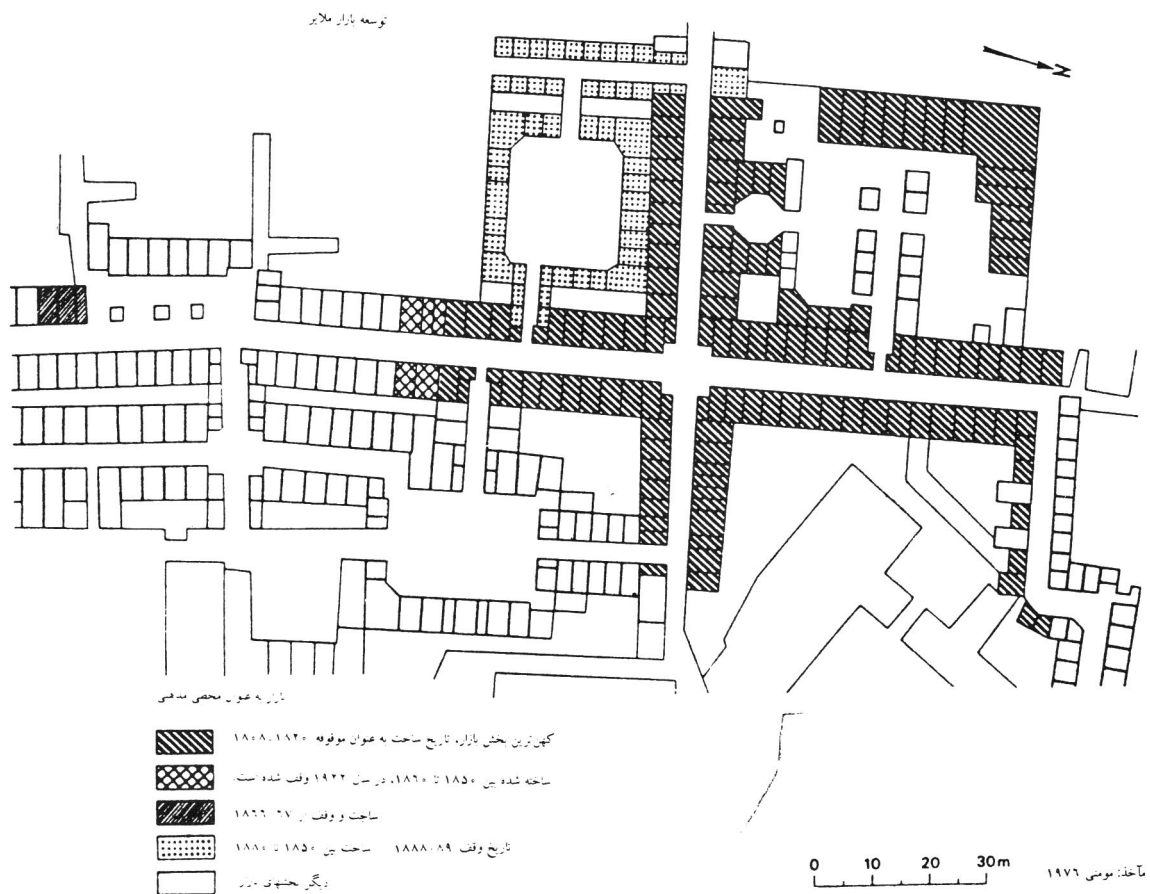
گیتاشناسان شهری نیز اهمیت دارند.

در گیتاشناسی آلمان تحقیقاتی که در باره تأثیرات فضایی، اجتماعی و اقتصادی موقوفات مذهبی انجام گرفته انگشت شمار است. یکی از اولین کسانی که وقف را بخش مهمی از حیات شهری و توسعه آن دانست مومنی (ص. ۴۰-۴۸) در مطالعه راجع به شهر و روستاهای مجاور ملایر بود. وی نشان داد که نه تنها بنیانگذاری ملایر به سال ۱۸۰۷ ارتباطی نزدیک با موقوفات چسبیده به شهر داشت بلکه اثبات کرد بدون این پیشینه تاریخی

ملایر امروز غیر قابل تصور است. همین نکته در مورد تفت واقع در مرکز ایران (اهلرز و مومنی) صدق می‌کند. در شمال آفریقا اشتوبر (۱۹۸۵، ۱۹۸۶) به تحلیل نقش و کارکرد آبه‌های عمومی در ساختار شهری چاون، بطور اخص و برای مغرب به طور اعم پرداخته است (لوحه‌های پنجم و ششم).

وجود مراکز سنتی شهرهایی چون ملایر یا تفت یا یزد (بنین) بدون وقف غیر ممکن است. تنها حضور مادی آنها به شکل مسجد، زیارتگاه، بازار یا کاروانسرا نیست که اهمیت دارد بلکه





ش. ۳ الف - توسعه بازار ملایر

قناتها یا بخشهایی از آنها وقف شده است (مومنی ص ص ۴۵-۴۷). ۱۱/۷٪ باغهای مشروب و ۱۰٪ مزارع تفت موقوفه است. درآمد این اراضی و باغها در همه اشکال آن همراه با عایدات حاصل از آب قناتهای کمک بزرگی به اجرای نقشهای مذهبی، اشتغال و مزایای اجتماعی در شهر تفت می‌کند (اهلرز و مومنی ۱۹۸۹).

تحلیل موقوفات و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آنها بر شهرها دو پرسش را پیش می‌آورد: اول اینکه آیا بنیادهای دینی در خاورمیانه اسلامی موجب افزایش کنترل سنتی شهرها بر نواحی روستایی مجاور آنها نمی‌شود؟ آیا انتقال محصولات روستایی بصورت نقدی و جنسی به صورت هبه‌هایی به نهادهای مذهبی مستقر در شهر شکل دیگری از بهره‌کشی شهر از نواحی روستایی مجاور شهرها به صورت سرمایه‌داری رانتی

اهمیت آنها برای شهر تا همین حدود و حتی بیشتر بخاطر حضور آنها به عنوان نهادهای مهم اجتماعی و اقتصادی است. موقوفات علاوه بر ایجاد زیر ساختهای شهری چون مسجد، حمام، مدرسه یا مغازه به عنوان ایجاد کننده مشاغل نیمه وقت و تمام وقت اهمیت دارند. هر چه در اهمیت نقش آنها در سازماندهی و اجرای جشنهای مذهبی گفته شود گزافه نیست. بخصوص در ماههای رمضان و محرم کلیه مراسم مذهبی به طریقی به دریافت از موقوفات صرفنظر از استقرار در شهر یا روستاهای مجاور آن مرتبط می‌گردد. مدیریت موقوفات علاوه بر املاک بسیار گسترده شهرها (بنین ۱۹۸۷؛ اهلرز و مومنی ۱۹۸۹، اشتویبر ۱۹۸۵) بر بخشهای چشمگیری از اراضی مجاور شهرها تسلط دارند. به عنوان مثال نهادهای مذهبی ملایر در مراحل گوناگون همراه با روستاها و اراضی حاصل خیز کشاورزی و

نیست؟ در صورتی که چنین باشد این تفسیر بعد اضافی جدیدی به معنای ضمنی عموماً پذیرفته شده اسلام به عنوان "دین شهری" می‌دهد. پرسش دوم این است که آیا این هبه‌های مذهبی واقعاً نهادهای ویژه اسلامی است که صرفاً در قلمرو اسلام یافت می‌شوند؟ در هر حال تا زمانی که مطالعات مقایسه‌ای در دیگر نقاط جهان انجام نشده می‌توان هبه‌های مذهبی و تأثیر آنها بر جامعه شهری و اقتصاد را یک وجه مشخصه بی‌همتا و اصیل شهر در خاورمیانه اسلامی دانست.

### نتیجه

در تحلیل انتقادی ابواللغوث از "اسناد" شهر اسلامی به عنوان یک پدیده بحث آکادمیک غربی و پذیرش آن پیشنهادی وجود دارد مبنی بر اینکه دست کم چهار "نیرو" وجود دارد که به عقیده وی می‌تواند بخشی از عوامل شکل‌گیری شهر در قلمرو اسلام باشد (ابواللغوث، ص. ۱۶۲) این چهار نیرو عبارتند از زمین/آب و هوا و دیگر خصایص مادی محیط مرتبط با آنها؛ فن آوری تولید، توزیع و حمل و نقل؛ نظام سازمان اجتماعی و نظام حقوقی، سیاسی. قطعاً دو تا از این نیروها در تحلیل شهرنشینی خاورمیانه به دست

گیتاشناسان آلمانی مورد استفاده قرار گرفته که عبارتند از: فن آوری و (سازماندهی) تولید، توزیع و حمل و نقل بعلاوه جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی که بدانها مربوط است. در هر حال این پرسش باقی می‌ماند که آیا این معیارها برای شناسایی و بی‌همتایی خطاناپذیر "شهر اسلامی" حتی در ترکیب با معیارهای دیگر کفایت می‌کند؟ این نظری است که حتی شخص ابواللغوث آزرده می‌کند. بنابراین نتیجه‌گیری وی مبنی بر اینکه "ویژگیهای اجتماعی، سیاسی و حقوق اسلامی" می‌تواند عواملی قاطع برای ایجاد و تغییر شکل شهر اسلامی باشد احتمالاً درست است. در هر حال تصدیق چنین گفته‌ای بدین معناست که گیتاشناسان آلمانی (و سرانجام دیگران نیز!) به ناچار می‌بایست از رهیافتهای سنتی خود فاصله بگیرند. در عوض چاره‌ای جز این ندارند که به مطالعه بنیادهای مذهبی شهرهای اسلامی و نهادها و سازمانهای اسلامی و اثرات و پیامدهای فضایی و اجتماعی - اقتصادی آنها روی آورند. از دیدگاه جهانی که به سرعت متحول و نوسازی می‌شود این بدان معناست که چنین تغییر دیدگاه و کانون تحقیق می‌توانسته زودتر صورت گرفته باشد. پاداش اینکار درک بهتر از ویژگی شهر در خاورمیانه اسلامی خواهد بود.

